

مسابقهٔ مرزبندی با روحانی



زهرا طبیبی خبرنگار گروه سیاست

نام «دولت بحران‌های بی‌پایان» را می‌شود تقریباً به تمام دولت‌های ایران در سسال‌های گذشته تعمیم داد، اگر از نگاه مقامات خود آن دولت‌ها به ماجرا نگاه کنیم. هر دولت در دوران زمامداری با بحران‌های ریزودرشت زیادی مواجه بوده، اما شاید این تعبیر به دولت حسن روحانی بیشتر بیاید؛ چراکه علاوه بر آنکه دولت از بیرون با بحران‌هایی مثل تحریم، خروج آمریکا از برجام و بیماری همه‌گیر کرونا مواجه بود، ایده اصلی دولت یعنی مذاکره هم شکست سختی خورد و این بحران‌ها به کابینه هم تعمیم پیدا کرد و از درون دولت، شکاف‌هایی میان رئیس‌جمهور و وزرا ایجاد شد. این شکاف‌ها جدا از آن بود که روحانی با خلیقات شخصی خاص خود باعث شده بود و وزرا برای دیدار او ناچار به گرفتن وقت ملاقات می‌شدند و همین موضوعات، همکاری با او را سخت کرده بود.

در مسرها به همین جا محدود نماند. بر مبنای آنچه اسحاق جهانگیری در خاطراتش ذکر کرده، نزاع‌های شخص رئیس‌جمهور با دیگر سطوح حکمرانی هم بالا گرفته بود تا آنجا که برخی نهادها در نامه مستقیم اعلام کرده بودند که حاضرند با دولت کار کنند؛ اما با حسن روحانی نه، همه این حواشیی و مشکلات، دولت یازدهم و مخصوصاً دوازدهم را دچار بحران‌های بی‌پایانی کرده بود که ادامه کار و پیشبرد امور را با دشواری مواجه می‌کرد.

بالاگرفتن این بحران‌ها باعث شد اصلاح‌طلبان به‌مرور با دولت فاصله‌گذاری کنند تا هزینه این تصمیمات متوجه آن‌ها نشود. اسحاق جهانگیری، معاون اول دولت حسن روحانی در کتاب خاطراتی که به‌تازگی منتشر کرده مشروحی را از آنچه در دولت اتفاق افتاده، مطرح کرده است. او در مواردی مثل ماجرای گرانی بنزین از دولت حمایت کرده و در موضوعاتی دیگر مثل چپش کابینه بعد از انتخابات ۹۶ در موضع انتقاد ظاهر شده؛ اما با این همه تلاش کرده چهره‌ای میانه‌رو از خود ترسیم کند که به دنبال حل چالش‌های دولت با جریانات سیاسی و سطوح مختلف حکمرانی بوده است. در ادامه به بخش‌هایی از روایت کتاب «در اندیشه ایران» پرداخته‌ایم.

از قضا سرکنگبین صفرا فروذ

اصلاح‌طلبان بعد از وقایع انتخابات ۸۸ گزینه‌های زیادی برای ورود به انتخابات نداشتند. ترجیح آن‌ها این بود که از نامزدهایی حمایت کنند که به‌نوعی بتوانند رابطه آن‌ها با حکمرانی را ترمیم کنند. تشخیص اصلاح‌طلبان این بود که حسن روحانی بیش از عارف، می‌تواند رابطه آن‌ها را ترمیم کند. اسحاق جهانگیری در خصوص علل حمایت اصلاحات از روحانی اشاره می‌کند برآورد اصلاح‌طلبان این بود که «ویژگی‌های شخصیتی و سوابق حاکمیتی آق‌سای روحانی کمک می‌کند که با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، شکاف‌های میان جریان اصلاح‌طلبی و حاکمیت تا حدی ترمیم‌شود.» اما از قضا و به تعبیر جهانگیری «سرکنگبین صفرا فروزد و تنش‌های میان روحانی و بخشی از حاکمیت عکس این خواست را رقم زد.» جهانگیری حتی فراتر از آن معتقد است دولت اساساً توجهی به عقبه اصلاح‌طلبانه‌اش نداشته است. او یکی از ضعف‌های کلیدی دولت را «نداشتن تعاملی پایدار باعقبه‌سیاسی و اجتماعی خودمی‌دانست» و معتقد بود «درحالی‌که دولت در تعامل با حاکمیت کم‌توفیق بود، حامیانش را نیز با فاصله بیشتری کنار خود می‌دید.»

این خودزنی‌ها چیست؟

ایسن اختلاف‌ها بعد از انتخابات سال ۹۶ بیشتر هم شد. پیش از سفر رئیس‌جمهور به نیویورک در سال ۹۷ در واکنش به انتقاد یکی از اصلاح‌طلبان به حسن روحانی، او یادداشت تندی خطاب به اسحاق جهانگیری نوشته بود. به نظر می‌رسد منظور جهانگیری مصاحبه علی صوفی، وزیر دولت اصلاحات بود که در مورد نطق رئیس‌جمهور در مجلس گفته بود

«صحبت‌های او قانع‌کننده نبوده و جلسه روحانی نتیجه عکس خواهد داد و بر بازار تأثیر منفی خواهد گذاشت.» جهانگیری می‌گوید مضمون این یادداشت تند این بود که «این خودزنی‌ها چیست؟» و او هم در پاسخ نوشته بود: «ما با کمک اصلاح‌طلبان دولت جدید را شکل دادیم، شما ببینید در این یک سال برای اصلاح‌طلبان چه کردید؟» اختلافات دولت با اصلاح‌طلبان به آنجا رسید که به گفته جهانگیری مجلس امید، ساز مخالفت با دولت زد و طرح سؤال از رئیس‌جمهور را کلید زد. از آن طرف هم رسانه‌های اصلاح‌طلب انتقادات علنی از دولت را شروع کردند. دلخوری روحانی به آنجا رسید که او گلایه اصلاح‌طلبان را پیش حسن خمینی برده بود. «آقای روحانی به آقای حسن خمینی گلایه کرده بود که اصلاح‌طلبان با اولین فشار او را تنها گذاشته‌اند و پاسخ شنیده بود که ببینید در رفتار شما چه دیده‌اند که تغییر رفتار داده‌اند.»

پیچ انتخابات ۹۶

جهانگیری در روایتش تلاش می‌کند فاصله‌گذاری میان اصلاح‌طلبان و حسن روحانی ایجاد کند و آن‌ها را از متحمل شدن هزینه اقدامات اشتباه حسن روحانی نجات دهد؛ اما تناقض این فاصله‌گذاری را می‌توان بیش از همه در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ پیدا کرد. جهانگیری در روایتش در شرح علل حضور در انتخابات ۹۶ به این موضوع اشاره می‌کند که یک سال پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ شکاف میان آقای روحانی و لایه‌های مختلف از دستگاه‌های حکومتی و سپاه سر باز کرد. این موضوع با نزدیک شدن به انتخابات در گفت‌وگوها ردپایی از خود برجای می‌گذاشت. جهانگیری مدعی است بیم او از رصلاحیت حسن روحانی «دغدغه حضور یک کاندیدای در کنار آقای روحانی را تقویت می‌کرد و جمع‌بندی این بود که من در انتخابات حاضر شوم.» بعد از اعلام نام تأیید صلاحیت‌شده‌ها، جهانگیری قصد انصراف داشته که «نظر آقای روحانی این بود که بمانم و در مناظره‌های تلویزیونی شرکت کنم و در مواجهه با تقد‌ها از دولت، همراه ایشان باشم.» اینجا معاون اول وقت، دلیل دیگری برای حضور در انتخابات بیان می‌کند: «ضرورت دفاع از عملکرد دولت یازدهم» و می‌گوید: «ترکیب کاندیداهای تأیید صلاحیت‌شده به‌گونه‌ای بود که حضور تنهای آقای روحانی کار را برای دفاع از دستاوردهای دولت یازدهم، سخت می‌کرد. به همین دلیل حضور من برای تشریح دستاوردهای دولت ضروری بود.»

میدان جنگ مناظرات انتخاباتی

اسحاق جهانگیری مناظرات انتخاباتی را شبیه میدان جنگی تصویر می‌کند که مظلوم آن حسن روحانی است. او در شرح آنچه در مناظره دوم گذشت، می‌گوید: «در این مناظره ترجیح داده‌ایم به‌گونه‌ای عمل کنم که آقای روحانی باتوجه به تسلطی که دارد، بیشتر دیده شود و توجه اصلی به‌سوی ایشان باشد.» جهانگیری معتقدست قیابی رئیس‌جمهور در دور دوم انتخابات، اخلاق‌راعیات نکردند و بیش از همه به نزاع‌های خودش با دو نامزد انتخاباتی تأکید دارد و اشاره‌ای جزنی به صحبت‌ها و مواضع روحانی نمی‌کنند. در کارزار انتخابات ۹۶ جهانگیری و اصلاح‌طلبان در مقام حمایت همه‌جانبه از دولت و شخص رئیس‌جمهور برآمدند.هم‌این‌همراهی‌ها در حالی اتفاق می‌افتد که جهانگیری در ادامه



اسحاق جهانگیری در کتاب خاطراتش تلاش کرده برچسب ۸ سال معاون اول روحانی بودن را از خود جدا کند

مسابقهٔ مرزبندی با روحانی



تلاش می‌کند، به‌نوعی با بیسان اختلاف‌افش با رئیس‌جمهور و متقابلاً اختلاف رئیس‌جمهور با اصلاح‌طلبان با شخص حسن روحانی فاصله‌گذاری کند.

کسانی که مرا می‌شناختند باور نمی‌کردند بعد از این ماجرا در دولت‌بمانم
جهانگیری شروع ایجاد شکاف میان خود و روحانی را یک سال پس از انتخابات می‌داند؛ اما بایان حال به این موضوع هم اشاره می‌کند که روابطش با رئیس‌جمهور در ۸ سال نوسان‌های زیادی داشته است. جهانگیری می‌گوید به‌دلیل آنکه می‌دانست نمی‌تواند پاسخگوی عملکرد تیم اقتصادی دولت باشد، تمایلی به پذیرش معاون اولی نداشت؛ اما با اصرار روحانی آن را پذیرفته است. جهانگیری این عدم تمایل را در آستانه یک‌سالگی دولت مورد اشاره قرار داده و تأکید دارد باز خوردهایی که از رفتار رئیس‌جمهور گرفته به تردیدهایش برای حضور در دولت، دامن می‌زده است. برای مثال در افطاری رئیس‌جمهور با فعالان اقتصادی که در رمضان همان سال و با حضور تیم اقتصادی دولت برگزار شد از اسحاق جهانگیری دعوت نشد. «اگرچه می‌توانست یک غفلت هم تلقی شود؛ اما پیام آشکاری داشت که نشان از تغییر در رویکردها در داخل دولت می‌داد.»

جهانگیری معتقد است رفتارهایی که با او می‌شد تبعات حضورش در انتخابات ریاست‌جمهوری بوده است و می‌گوید: «در مواردی جمع‌بندی‌ام از این موضوع را با آقای روحانی در میان گذاشته و گلایه کردم که شما مثل دور اول به مشورت‌های من توجه نمی‌کنید.» او همچنین می‌گفت در جریان برخی از امور قرار نگرفته برای مثال ترکیب جدید وزرا را از اخبار سیما شنیده و از هیچ‌کدام از گزینه‌ها و روند معرفی آن‌ها خبر نداشته‌ام.» علاوه‌بر آن حضورش برای سخنرانی در یک مراسم را از اخبار تلویزیون متوجه‌شده‌بود.

دعای بنزینی

ماجرای تعیین قییم بنزین یکی از موارد مورد اختلاف میان روحانی و جهانگیری بود. او معتقد بود یادید سهمیه بنزین هر فرد به خود آن شخص داده‌شده و می‌گوید کارشناسان معتقد بودند این روش به عدالت نزدیک‌تر است. جهانگیری دوسه باری این موضوع را با رئیس‌جمهور مطرح می‌کند؛ اما رئیس‌جمهور ایده را نپذیرفته و با شوخی گفته: «با اجرای این طرح هر به‌چای که متولد می‌شود، باید کنار شیر، یک پستوتیک بنزین هم برایش آماده کنیم.» اوایل تیرماه ۹۸ در یکی از جلسات شورای عالی هماهنگی اقتصادی، جهانگیری روایت می‌کند که در حال صحبت در مورد تعیین نرخ بنزین و سهمیه‌بندی‌ها، وقتی او ایده اختصاص سهمیه بنزین به افراد را مطرح می‌کند با واکنش عجیب رئیس‌جمهور مواجه می‌شود. «آقای روحانی با تندى و عصبانیت میان حرف من پرید و گفت شما و چند نفر اصلاح‌طلب نشسته‌اید و می‌خواهید کشور را به‌هم بریزید و امنیت کشور را به‌هم بزنید... من هرگز در دوره مسئولیت‌هایم با چنین برخوردی مواجه نشده‌بدم... حتی ده درصد چنین برخوردی را هم تجربه نکرده‌بدم. واقعاً برایم سنگین بود، خیلی فشار تحمل کردم تا در یک جلسه که حدود ۱۵ نفر از مسئولان کشور از جمله سران سه قوه حضور دارند، بر خودم مسلط باشم... در یک لحظه تصمیم گرفتم که از جلسه خارج شوم؛ اما علی‌الریاحی که کنار من نشسته بود و احساس می‌کرد ممکن است از جای خود بلند شوم، دستش را روی دست من گذاشت و فقط به آقای روحانی گفتم پاسخ‌شمارا می‌دهم؛ اما نه اینجا.» بعد از این ماجرا، جهانگیری تصمیم به استعفا می‌گیرد که برخی از وزرا از جمله زنگنه، جنتی، نمکی، سلطانی، فر، کلاترزی، اردکانیان و ربیعی می‌آیند و بنا به مصلحت از جهانگیری می‌خواهند که بازگردد. جهانگیری می‌گوید بعد از این ماجرا «همکاری با آقای روحانی برایم موضوعیت نداشت» و حضور در دولت برایش سخت و سست‌تر شده بود. «کسانی که از مدیریت و روحیات من شناخت داشتند باور نمی‌کردند که بعد از این ماجرا، همکاری با آقای روحانی را ادامه دهم.»

نکات روایت یک اختلاف

اشارات جهانگیری به اختلافاتش با رئیس‌جمهور چند نکته قابل توجه

دارد. اول آنکه، از رفتار و نوع مواجهه حسن روحانی با تیم اجرایی و روحیات و خلق و خوی شخصی او روایتی جزنی ارائه می‌کند و نکته مهم تر آنکه در ادامه ترسیم چهره‌ای از روحانی – فردی که چندان به مشورت‌های معاون اولش توجه نمی‌کند – به‌نوعی به دنبال عقب‌نشینی از حضورش در انتخابات ۹۶ و حمایت همه‌جانبه‌اش از روحانی هم است، برای اینکه تا جای ممکن بتواند کمی از هزینه تصمیمات غلطی که در دور دوم دولت روحانی گرفته‌شده را برای خود بکاهد.

کانال ارتباطی اصلاح‌طلبان با حکمرانی

جهانگیری در روایت خاطراتش تلاش می‌کند از خود چهره‌ای معتدل و میانه‌رو ترسیم کند که به دنبال فیصله‌دادن به دعوها بوده است. برای مثال پس از فوت مرحوم هاشمی، اواخر سسال ۹۵ جلسه‌ای در جماران با حضور سید حسن خمینی، خاتمی و موسوی خوینئی‌ها برگزار می‌شود. تأکید حاضران آن بود که در دوران حیات، مرحوم هاشمی نکات اصلاح‌طلبان را منتقل می‌کرد و حالا باید این مسیر احیا شود. جهانگیری همان هفته قرار ملاقاتی را رهبری می‌گیرد و در بخشی از این جلسه می‌گوید: «من گفتم این دوستان می‌خواهند بعد از آقای هاشمی یک کانال ارتباطی با شما داشته باشند» که به روایت جهانگیری رهبر انقلاب این طور پاسخ دادند. «من ازادار آقای هاشمی هشتم ولی ایشان هیچ‌وقت کانال ارتباط اصلاح‌طلب‌ها با من نبود و در این باره در دیدارهایی که داشتیم، صحبت نمی‌کرد ولی مشکلی نیست که ارتباطی باشد و بهتر از همه خود شما هستید.»

جهانگیری صحبتی هم در مورد ماجرای سال ۸۸ دارد که پاسخ رهبر انقلاب را این طور روایت کرده: «درباره جریان اصلاح‌طلبی هم گفتند من جریان اصلاح‌طلبیی را قبول دارم؛ اما جریان فتنه را از بن ندان قبول ندارم. این‌ها کاری کردند که دوست با کشور خودش نمی‌کند. اگر معتقد به تقلب بودند باید در خواست بازشماری می‌کردند. وقتی به پایگاه بسیج حمله شد، باید واکنشی نشان می‌دادند و صریحاً محکوم می‌کردند. ایشان گفتند با کسانی که در فتنه دخیل بودند، نه آشنستی می‌کنم و نه شکایتی را از خدا پس می‌گیرم. آن‌ها که اصلاح‌طلب هستند؛ اما با فتنه همکاری نکرده‌اند، مانند خود شما، حسابشان جاست.»

جهانگیری به روابط خویش با سردار سلیمانی هم اشاره و تعریف می‌کند «غروب شهریور ۹۷ دیداری با سردار سلیمانی داشتم. ایشان با خنده و شوخی گفت: رئیس‌جمهور ساز شدی! اصرار داشت مسائل میان سپاه با دولت را باید حل کنیم، همچنین سردار سلیمانی بانی شد و همان روزها جلسه‌ای میان آقای روحانی و جمعی از فرماندهان سپاه برگزار شد. من روایت جلسه را از طرفین شنیدم. در مجموع جلسه سختی بود و طرفین به صراحت نظر‌اتشان را گفتند، ولی این جلسه زمینه‌ساز پایان اختلافات نشد.»

علاوه بر این، قرار بر این بوده که جلساتی هم با حضور سردار سلیمانی برای رفع حصر هم داشته باشند که به گفته جهانگیری با شهادت سردار سلیمانی کار نیمه‌تمام مانده است. «به ایشان گفتم خودت بیا کمک کن که مسئله آقای خاتمی را حل کنیم. سردار سلیمانی استقبال کرد و جلسه‌ای در دفتر ایشان برگزار شد و علاوه بر ما آقای طائب و رئیس وقت سازمان اطلاعات سپاه هم حضور داشتند... جمع‌بندی خوبی صورت گرفت، هرکس مأموریتی داشت که باید پیگیری می‌شد، متأسفانه این کار هم با شهادت سردار سلیمانی نیمه‌تمام ماند.»

نکته دیگر آنکه در روایت جهانگیری برخی دیدارها و انتقال پیام‌ها به رهبر انقلاب از جانب اسحاق جهانگیری انجام می‌شود. روایت‌هایی که نشان می‌دهد او در عین فاصله‌گذاری با رئیس‌جمهور وقت، چهره‌ای میانه‌رو و به‌دور از رادیکالیسم بوده که تلاش دارد بگرید برخلاف روحیات و خلیقات شخص حسن روحانی، محل رجوع جریانات سیاسی و ارکان مختلف نظام بوده است.

دست‌های پنهان تلاش دارند مهم‌ترین انتخابات کشورهای عربی در عراق را وارد حاشیه کنند

توطئه علیه صندوق‌های آرام



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

مرحله نهایی انتخابات پارلمانی عراق روز گذشته (سه‌شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۴، ۱۱ نوامبر ۲۰۲۵) به پایان رسید. تال‌لحظه نگارش این گزارش خبری از نتایج اعلام‌نشده؛ اما فارغ از آنچه صندوق‌ها نشان خواهند داد، عراق و انتخاباتش با تهدیدهایی روبه‌هستند.

این تهدیدات روندی بوده که از مدت‌ها قبل کارشناسان نسبت به وقوع آن‌ها هشدار داده‌اند. در این گزارش سعی شده چنین تهدیداتی مورد بررسی قرار گیرند.

نکات

۱

پس از انتخابات در وهله اول، رئیس پارلمان تعیین شده و در مرحله دوم، رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود و در نوبت سوم، نخست‌وزیر برگزیده خواهد شد. سازوکار به این شکل است که اکثریت پارلمان، نامزد نخست‌وزیری را بر رئیس‌جمهور معرفی کرده و او این نامزد را برای برگزاری جلسه رأی اعتماد، به پارلمان ارائه می‌کند. این فرایند در نظام‌هایی که دارای احزاب و جناح‌های متکثرند زمان‌بر و تا حدودی ناپایدار است. عراق نیز به‌دلیل حضور سه دسته شیعه، کرد و اهل سنت و پراکندگی‌های دورنی هرکدام، به‌شدت متأثر از این نقش است.

به همین دلیل چند سالی است که جناح‌هایی از درون شیعیان معتقدند این کشور باید به سمت سیستم ریاستی حرکت کند؛ در این صورت مردم به‌طور مستقیم به نامزدهای ریاست‌جمهوری رأی خواهند داد و یک نفر برای این مسئولیت بدون نیاز به مذاکرات پس از انتخابات میان احزاب، برگزیده می‌شود. در این نظام

۲

از این دو انتخابات در دوره بحران برگزار نشدند؛ اما هر دو در ادامه به سرعت به بحران‌هایی خوردند که باعث تغییر دولت شدند. بالاخصا پس از انتخاب مجدد نوری المالکی به نخست‌وزیری، داعش به عراق حمله کرد و در توطئه‌ای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای او مجبور به کناره‌گیری از مسئولیت خود شد. همچنین یک سال پس از نخست‌وزیری عادل عبدالمهدی، اعتراضاتی در اکتبر ۲۰۱۹ آغاز شد که در نهایت به استعفاى او منجر گشت. در نوبت جدید، حامیان جهانی به‌طور کامل از تروپست‌ها حمایت کرده و بر این عقیده‌اند که با وجود شخصی همانند جولانی و تیم همراهش، بر آن‌ها کنترل دارند.

از مسوی دیگر جولانی و گروه‌های تروریستی متحشد در سوریه دارای ۱۰۰ هزار فرد مسلح در شمال این کشور بودند که با اشغال مناطق بیشتری از سوریه، تعداد آن‌ها می‌تواند به سرعت دو الی سه برابر وضعیت گذشته شود؛ چه اینکه در شرق سوریه که تحت کنترل کردهاست هزاران نفر از عناصر تکفیری در زندان‌ها حضور دارند و با تصمیم آمریکا می‌توانند به جولانی بپیوندند. در این میان نباید هسته‌های تکفیری حاضر در عراق را نادیده گرفت. جولانی برای مداخله در لبنان و عراق آمده می‌شود و دیدارهای خارجی پیاپی او از جمله با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و مقامات سعودی و ترکیه‌ای حکایت از سنگین بودن توطئه‌ها دارد.

۵

طرف‌های خارجی امیدوارند در فردای انتخابات اگر موفق به کسب پست‌های اصلی نشدند، فضا را بحرانی کرده و به عراق ضرباتی نظامی و امنیتی وارد کنند. فرستاده جدید ترامپ در امور عراق پیش از این به‌صراحت خواوان در اختیار گرفتن پست نخست‌وزیری و دیگر مسئولیت‌های حساس توسط متحدان کشورش شده بود. روی دیگر این درخواست، تهدید است به این معنا که اگر چنین پست‌هایی در اختیار آمریکا قرار نگیرند، عراق باید آماده بحران باشد.